

بررسی جایگاه فرهنگ وقف در رشد بیمارستان سازی در تمدن اسلامی

(مطالعه موردی، شهر اصفهان از انقلاب مشروطه تا ۱۳۹۲ ه.ش)

سید مصطفی طباطبایی^۱

سمانه حجارپور خلج^۲

چکیده:

وقف از جمله مؤلفه های فرهنگ اسلامی است که در تمدن اسلامی دارای جایگاه ویژه ای می باشد. ویژگی هایی که این فرهنگ دارد باعث شده که با توجه به نیاز جامعه اسلامی به ویژه عدالت اجتماعی، کارکردهای متفاوتی از آن را در راستای زدودن آسیب های اجتماعی مشاهده کنیم.

یکی از زمینه هایی که در تمدن اسلامی پیوند ناگسستنی با فرهنگ وقف دارد تأسیس بیمارستان و اختصاص موقوفات فراوان جهت اداره آن می باشد. این امر از همان آغازین روزهای آشنایی مسلمانان با علم پزشکی و به تبع آن رشد مراکز درمانی آغاز شد و تاکنون ادامه دارد، به گونه ای که بیمارستان های زیادی در جای جای سرزمین های اسلامی با به کارگیری این فرهنگ احداث گردید.

در ایران و به ویژه اصفهان همزمان با اوج گیری رشد علوم پزشکی و نیاز جامعه به آن در دوره های گوناگون به ویژه در دوره معاصر، بیمارستان هایی به وجود آمد که یا موقوفه بودند و یا با استفاده از موقوفات اداره می شدند. در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه ای و مطالعه میدانی به بررسی چگونگی کارکرد این فرهنگ در رشد و گسترش بیمارستان های اصفهان پرداخته ایم.

کلید واژه ها:

وقف، وقفنامه، بیمارستان، اصفهان.

مقدمه

در تاریخ ایران از گذشته‌های دور شاهد موقوفات بسیاری جهت دستگیری از بیماران و ضعیفان هستیم. فرهنگ کمک به هم‌نوع، علاوه بر آن که توسط آموزه‌های اسلامی به‌طور مکرر تشویق و توصیه شده است، ریشه در فرهنگ سنتی این مرز و بوم نیز دارد. از این رو دستگیری از ناتوانان و بیماران، از گذشته‌های دور در جامعه ما مورد توجه واقفان بوده است و این مهم کم‌وبیش به شکل‌های مختلف تحقق یافته است. گاه شاهد ایجاد شفاخانه‌های وقفی هستیم و گاه وقفنامه‌هایی در اختیار داریم که واقف با تخصیص اموال کمتر و گاه مختصری در حد بضاعت مالی خود بر این شفاخانه‌ها و یا به‌طور کلی برای مداوای بیماران و امور درمانی مانند هزینه پزشک و پرستار، تهیه دارو، غذا و غیره در این مهم مشارکت کرده‌اند.^۳ اگر به روند بیمارستان‌سازی در تمدن اسلامی توجه داشته باشیم، خواهیم دید که قریب به اتفاق این بیمارستان‌ها از طریق درآمد موقوفات اداره می‌شده است. در اینجا برای نمونه به چند بیمارستان بزرگ از سده‌های مختلف تاریخی در سرزمین‌های اسلامی اشاره خواهیم کرد:

بیمارستان عتیق مصر: این بیمارستان در سال ۲۵۹ ه.ق توسط احمد بن طولون در فسطاط ساخته شده است و از بزرگ‌ترین بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود.^۴ میزان مخارج این بیمارستان و مستغلات آن شصت هزار دینار بوده است. بازار بردگان، دارالدیوان و خانه‌های آن در اساکفه و قیصاریه از موقوفات این بیمارستان بوده است.^۵

بیمارستان اسفل مصر: این بیمارستان نیز در فسطاط بوده و توسط کافور اخشید در سال ۳۴۶ ه.ق ساخته شده است و به همین دلیل به بیمارستان کافور اخشید نیز معروف می‌باشد. گویند اخشید امیر مصر املاک زیادی را وقف این بیمارستان کرده است.^۶

بیمارستان بزرگ منصوری: این بیمارستان که به دارالشفاء قلاوون نیز شهرت

دارد در ربیع الآخر سال ۶۸۳ هـ.ق ساخته شده است. وقتی که بنای بیمارستان به پایان رسید ملک المنصور از املاک سرزمین مصر، القیاس و زمین‌ها، دکان‌ها، حمام‌ها، کلیه مهمانسراها و .. را در شام که ارزش درآمد سالانه آن به یک میلیون درهم می‌رسید را بر بیمارستان وقف کرد^۷. این بیمارستان از لحاظ موقوفات جزء بیمارستان‌های پر موقوفه به‌شمار می‌آید. که از جمله موقوفات آن عبارتند از: مجموعه بازارهای (قیساریه) الصبانه در فسطاط^۸، مسافرخانه ملک السعید در فسطاط^۹، حمام ساباط در قاهره^{۱۰}، قیساریه المحلی و قیساریه الضیافه در قاهره^{۱۱}، سوق القفیضات در قاهره^{۱۲} و بازار کتاب‌فروشان قاهره^{۱۳}.

بیمارستان عضدی بغداد: در صفر ۳۷۲ هـ.ق عضدالدوله بویهی در غرب بغداد این بیمارستان را تأسیس کرد^{۱۴} که یکی از معروف‌ترین بیمارستان‌ها در طول تاریخ اسلام می‌باشد. از پزشکان معروف این بیمارستان می‌توان به عبیدالله بن جبرئیل بن عبیدالله بن بخت یسوع^{۱۵} و همچنین ابو عبدالرحمن بن علی بن مرزبان اصفهانی و ابن مندویه اصفهانی اشاره کرد^{۱۶}. این بیمارستان نیز موقوفات زیادی داشته از جمله املاک موقوفه ابونصر شباسی حاجب بزرگ^{۱۷}.

بیمارستان معزالدوله بغداد: معزالدوله دیلمی در مکان زندان بغداد در سال ۳۵۵ هـ.ق این بیمارستان را ساخت و موقوفاتی برای آن قرار داد که سالیانه پنج هزار دینار بود^{۱۸}.

بیمارستان بدر بغداد: این بیمارستان توسط بدر غلام معتضد خلیفه عباسی در منحرم^{۱۹} بغداد تأسیس شد و هزینه آن از محل موقوفات سجاح مادر المتوکل علی الله تأمین می‌شد. بخشی از موقوفه ابو صقر وهب بن محمد کلوذانی صرف بنی هاشم و بخشی صرف بیمارستان می‌شد^{۲۰}.

بیمارستان کاظمین: مؤیدالدین محمد بن عبدالکریم قمی وزیر احمد ناصر و محمد ناظر، در کاظمین بیمارستانی ساخت و آن را وقف مردم آن شهر کرد^{۲۱}.
بیمارستان کومشتکین بغداد: کومشتکین که از سرداران آل بویه به‌شمار می‌آمد

بیمارستانی را در بغداد برای کودکان یتیم تأسیس کرد و موقوفه‌ای دائمی برای آن قرار داد به طوری که مخارج روزانه، خوراک و پوشاک این گونه اطفال تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده بودند از این محل تأمین می‌شد.^{۲۲}

بیمارستان عضدی شیراز: عضدالدوله بویه‌ی نیز پس از آن که بیمارستان عضدی را در شیراز ساخت بسیاری از املاک خود را وقف آن نمود^{۲۳} و کتابخانه بزرگی را به آن اختصاص داد^{۲۴}. مقدسی از جغرافی‌دانان معروف جهان اسلام نیز این بیمارستان را از نزدیک دیده و بیان می‌کند که موقوفات زیادی برای این بیمارستان اختصاص دارد^{۲۵}.

بیمارستان مظفری شیراز: به نوشته ابوالعباس معین‌الدین زرکوب شیرازی، بیمارستان مظفری در ناحیه درب سلم شیراز احداث شده و در قرن هشتم (زمان حیات وی) از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. وی در مورد بنای این بیمارستان چنین می‌نویسد: «از جمله عماراتی که اتابک ابوبکر در عهد سلطنت ساخته، دارالشفایی معتبر است اندرون شهر شیراز، در طرف قبله‌گاه ... و هر یکی از این عمارات بسیاری از املاک معتبره بدان وقف کرده^{۲۶}» این بیمارستان پس از سقوط اتابکان فارس وضع اسفناکی پیدا کرد و دیگر به آن توجه نمی‌شد تا آن که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، طی نامه‌ای به نجم‌الدین محمود بن الیاس شیرازی، وی را مأمور احیای دوباره آن می‌کند و او را مسئول موقوفات آن بیمارستان قرار می‌دهد^{۲۷}.

بیمارستان صباحی یزد: از دیگر بیمارستان‌های موقوفه ایران که در قرن هفتم در یزد ساخته شده، بیمارستان صباحی یزد می‌باشد که آن را خواجه شمس‌الدین تازی گوی جهت خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان ساخته است^{۲۸}. در مورد موقوفات این بیمارستان در کتاب تاریخ یزد چنین آمده است: «چون این عمارت تمام شد، شهر و ولایت از قنوات هر چاهی پانصد سیو آب برین عمارت منسوب کردند جهت مبارک بر این بقعه، صاحب دیوان بفرمود که آن را هر سال به خرج

عمله و مرضی و مجانین کنند و حصه‌ای از قریه منشاد به وقف آن کردند و اتمام آن سنه ست و ستین و ستمائه بود^{۲۹}».

بیمارستان ربع رشیدی: ربع رشیدی یکی از معروف‌ترین و قدیمی‌ترین موقوفات ایران اسلامی ماست که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی احداث و وقف شده است. این مجموعه علاوه بر این که از جهت تاریخی بسیار حائز اهمیت است، از لحاظ کارکرد و موارد مصرف نیز کم نظیر است؛ در ربع رشیدی انواع موقوفه‌ها با مصارف گوناگون از مسجد، مدرسه و دارالضیافه گرفته تا موقوفه‌های مسکونی، درمانی، خیریه و... وجود دارد. اهمیت این مجتمع بزرگ دانشگاهی را نحوه مدیریت و سازماندهی، رشته‌های آموزشی و منابع مالی آن دوچندان می‌کند. مهم‌ترین قسمت این مجتمع، یک دانشگاه پزشکی بود که دانشجویانی را از سراسر دنیا در خود می‌پروراند. در آن زمان، ربع رشیدی شامل چهار دانشکده بود که در چهار طرف آن قرار داشت. تعداد این دانشکده‌ها که به عربی اربع گفته می‌شود، سبب تسمیه این مکان به نام ربع رشیدی می‌باشد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله در شصت سالگی وقفنامه مفصلی برای رشیدیه تنظیم کرده است و چون چند بنیاد مذهبی را در یزد، همدان و سلطانیه بنا کرده بود، در مسائل وقف بسیار خبره بود^{۳۰}. در این بیمارستان پنجاه پزشک ماهر از ایران، هند، چین، مصر و شام مشغول درمان و تعلیم علوم پزشکی بودند و چنانچه از متن وقفنامه برمی‌آید پیش هر طبیبی، ده نفر مشغول علم‌آموزی بودند^{۳۱}.

بیمارستان همدان: از اقدامات دیگر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی احداث بیمارستانی در زادگاه خود، همدان می‌باشد. وی پس از آن که این بیمارستان را تأسیس کرد، پزشکی به نام ابن مهری را به سرپرستی آن گماشت^{۳۲} و در نامه‌ای که برای اهالی همدان نوشت از مردم همدان خواست که «... مشارالیه را متولی آن موقوفات و طبیب آن دارالشفاء و نصب ما دانند و غایت و اهتمام ما به انتظام امور او شامل و موفور شناسند و از حاصل قریه زاهد آباد به رسم ادرار ۵۰ جریب غله

بالمناصفه و دو هزار دینار آنچه تسلیم دارندگان مشارالیه کنند^{۳۳}».

دارالشفاء مشهد: شهر مشهد که مزار امام رضا علیه السلام در آن قرار دارد از روزگار کهن مورد توجه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان قرار داشته است. در جوار حرم، دارالشفایی است که تاریخ دقیق بنای اولیه آن مشخص نیست ولی تا به حال بدون وقفه فعال بوده و بیشتر برای درمان زائران آن حضرت مدنظر قرار گرفته می شده و دارای موقوفاتی نیز می باشد^{۳۴}. این بیمارستان در دوران صفوی مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفت به گونه ای که شاه طهماسب که علاقه فراوانی به این بیمارستان داشت، حکیم عمادالدین محمود شیرازی، پزشک معروف و حاذق دربار را مأمور خدمت در این بیمارستان کرد^{۳۵}.

مروری بر تاریخچه بیمارستان های اصفهان

یکی از بیمارستان های مهم دوره اسلامی، بیمارستان اصفهان بود که متأسفانه اطلاع زیادی از آن در دست نیست، فقط در منابع نامی از آن برده شده است. از طبیبان این بیمارستان، ابن مندویه اصفهانی از اطبای بنام ایران بوده که اعمال مشهوری در صنعت طب داشته است و برای افرادی که به صنعت طب اشتغال داشتند کتابی تألیف کرده و در این بیمارستان به درمان بیماران مشغول بوده است. چون ابن مندویه اصفهانی معاصر عضدالدوله دیلمی بوده، از این جهت می توان گفت که این بیمارستان در سده چهارم هـ. ق وجود داشته و احتمال می رود در دوره سلسله آل بویه بنیان گذاری شده است^{۳۶} و بی شک دارای موقوفاتی نیز بوده است. کتابی که ابن مندویه تألیف کرده بود، گویا رساله ای بود که به متصدیان امور درمانی در بیمارستان اصفهان نوشته بود. از دوره تیموریان روند موقوفات سیر نزولی داشت و به همین دلیل شاهد شکوفایی بیمارستان های موقوفی نیستیم. این روند تا دوران صفوی ادامه یافت تا آن که پادشاهان صفوی دوباره فرهنگ وقف و موقوفه را احیا کردند و تجلی آن را در پایتخت آن دوران یعنی شهر اصفهان شاهد هستیم. ولی

متأسفانه در منابع تاریخی از بیمارستان‌های این دوره کمتر صحبت شده ولی بعید است که شاه عباس صفوی و شیخ بهایی در هنگام ساخت بافت جدید اصفهان از این امر غفلت کرده باشند^{۳۷} به گونه‌ای که اسکندر بیک ترکمان بیان می‌کند که در اطراف میدان نقش جهان دارالشفایی وجود داشته است^{۳۸-۳۹}. ولی مانند دیگر بناهای عهد صفوی مورد ستایش سیاحان آن دوران قرار نگرفته است^{۴۰}.

با توجه به این مطالب درمی‌یابیم که بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی غالباً از طریق موقوفات فراوانی که بیشتر از سوی مؤسسان آنها وقف می‌شد یا اموالی که امیران، وزیران و ثروتمندان می‌بخشیدند یا در وصیت‌نامه خویش سهمی برای آنها مقرر می‌کردند، اداره می‌شد. حقوق پزشکان و کارمندان و هزینه درمان، دارو، بستری شدن بیماران و تغذیه آنان نیز به همین شیوه تأمین می‌گردید. بیمارستان که معمولاً در پاکیزه‌ترین و پرآب‌ترین نقاط شهر بنا می‌شد، غیر از بخش‌های متعدد درمانی، بخشی نیز برای اقامت پزشکان و دانشجویان داشت. اقامت پزشکان در کنار بیمارستان یکی از پدیده‌های مهم در تاریخ بیمارستان‌هاست. بیمارستان، گذشته از وظیفه درمانی، عمده‌ترین مرکز آموزش پزشکی نیز به‌شمار می‌رفت و پزشکی نظری با پزشکی تجربی و عملی رابطه نزدیک داشت. جز بیمارستان‌های معروف و بزرگ، همه مدارس دارای اوقاف تا روزگار اخیر، بیمارستانی هم داشته‌اند و پزشکانی به‌طور موظف در آن به مداوای بیماران و آموزش دانشجویان مشغول بوده‌اند.

وقف در خدمت بیمارستان

بیمارستان عیسیوی (عیسی بن مریم): در سال ۱۲۸۱ ه.ش. دونالد کار، با موافقت دولت وقت، خانه خود در محله جلفای اصفهان را به درمانگاه تبدیل کرد و سال بعد (۱۲۸۲ ه.ش.) با کمک دولت و افراد محلی اقدام به ساخت یک بیمارستان در کنار کلیسای لوقا نمود که در آن زمان «بیمارستان مسیحی» و امروزه به نام «بیمارستان

عیسی بن مریم» شناخته می‌شود. برای این منظور، فردی به نام امین الشریعه، زمین بیمارستان را واقع در محله مستهلک در مجاور خیابان شمس آبادی و نبش خیابان عباس آباد برای انگلیسی‌ها خریداری کرد و از آن زمان ساخت این بیمارستان به دست آنها آغاز شد که ساختمان آن شامل یک بخش مردان، یک سالن کوچک و یک آشپزخانه و رختشویخانه ساده بود.

مردم اصفهان، این بیمارستان را «مریضخانه انگلیسی‌ها» یا «مُرسِلین انگلیس» می‌نامیدند که پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ه.ش) به «بیمارستان عیسی بن مریم» تغییر نام یافت و در سال‌های اخیر بخش‌هایی بر آن افزوده شد. در هنگام عملیات ساخت و ساز بیمارستان یک کلیسا و کمی پایین‌تر از آن یک ساختمان برای دایره اسقفی نیز ساخته شد و در سال ۱۲۸۷ ه.ش (۱۹۰۹م) احداث آن به پایان رسید و دایره اسقفی اداره آن را برعهده گرفت. بر سردر قدیمی بیمارستان بر روی کاشی لاجوردی در زیر نقش صلیب، نام آن «بیمارستان مسیحی» و سال ساخت آن ۱۲۸۲ ه.ش برابر با ۱۹۰۴م قید شده است.



سردر قدیمی بیمارستان مسیحی اصفهان (عیسی بن مریم) که اکنون در دیدرس نیست.

ساختمان «بیمارستان عیسی بن مریم» مربوط به اواخر دوران قاجار در اصفهان،

خیابان شمس آبادی، نیش خیابان عباس آباد، در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۸۴ ه.ش
باشماره ثبت ۱۳۱۱۴در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.



تصویر وقفنامه قریه ورتاخور و قلعه آشیان لنجان

در واقع هدف از تأسیس این بیمارستان علاوه بر خدمات درمانی، تبلیغ جهت
گرویدن مردم مسلمان اصفهان به دین مسیح بوده است به گونه‌ای که این بیمارستان
در بدو تأسیس زیر نظر شورای خلیفه‌گری اداره می‌شد و حتی در داخل آن نیز

کلیسایی موجود بوده است.^{۴۱} ظاهراً این بیمارستان در دوران پهلوی نیز پایگاهی برای کشور انگلستان به‌شمار می‌رفته است چنانچه بیشتر پزشکان این بیمارستان از آن کشور بوده‌اند و حتی مدتی به‌نام بیمارستان انگلیسی مشهور بوده است.

موقوفه بیمارستان عیسی بن مریم: حاج مهدی بنان الشریعه به موجب وقفنامه‌ای در تاریخ ۱۳۴۰/۳/۲۴ سه دانگ از شش دانگ قریه ورنامخور^{۴۲} با حق شرب تابعه از رودخانه زاینده رود و تمامی شش دانگ قلعه اختصاصی آن در دهستان آشیان لنجان را وقف بیمارستان مسیحی اصفهان (معروف به مریضخانه مرسلین) کرد تا عواید آن جهت «محتاج‌ترین مردم بیماری که برای معالجه بیماری خود در بیمارستان مسیحی اصفهان واقع در خیابان شهناز پهلوی، کوی شمس‌آباد بستری می‌کردند و مدیر مسئول بیمارستان نامبرده، احتیاج و بی‌نوایی آنها را تشخیص می‌نماید»، صرف شود^{۴۳}.

مریضخانه اسلامی: اولین بیمارستانی که در دوره قاجار، به همت علما و پزشکان متعهد مسلمان اصفهانی در جهت خنثی سازی تبلیغات مسیحیان و از طرفی ایجاد یک مرکز پزشکی مبتنی بر تعلیمات و اخلاقیات اسلامی ایجاد شد، مریضخانه (بیمارستان) «اسلامی» است. به گزارش روزنامه جهاد اکبر، بانی آن محمدحسن میرزا که از طبیبان حاذق و معروف آن دوران است بوده و مکان آن نیز در محله نوبهار و در خانه شخصی خود وی بوده است^{۴۴}.

وی در روز چهارم جمادی الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق در همان مکان، جلسه‌ای با حضور علما و تجار مشهور شهر جهت مشارکت در همیاری و توسعه بیمارستان تشکیل می‌دهد و در آن جلسه کمک‌های فراوانی جهت آن بیمارستان انجام می‌گیرد.

موقوفه بیمارستان اسلامی: مرحوم مصلح السلطنه یکی از املاک خود را که عایدی آن سالی پنجاه تومان بود وقف کرده و مقرر کرد که فوائد آن را به اسم اعانه به آن محل بپردازند. از جمله افرادی دیگری که در این امر شرکت کردند می‌توان به: حضرت ثقة‌الاسلام: شخصست تومان، حاج آقا مجلس^{۴۵} خادم الشریعه: پنج لیرای

عثمانی، میرزا ابوالقاسم زنجانی^{۴۶}: پانزده تومان، حاج محمدحسین کازرونی^{۴۷}: سی تومان، حاج میرزا سید محمد: دو تومان، محمدعلی خان سرتیپ^{۴۸}: چهار تومان، آقا میرزا جعفر: دو تومان، حاج محمدحسین ارباب: ده تومان، محمدباقر خان: چهار تومان، حاجی زین العابدین: پنج تومان اشاره نمود و مقادیری که نقداً در همان جلسه پرداخت شد عبارت است از: حاجی ثقة الاسلام: پانزده تومان، حاجی ملک التجار: پانزده تومان، حاج آقا مجلس خادم الشریعه: یک لیرای انگلیسی، حاجی ملک التجار^{۴۹}: پانزده تومان، حاجی محمدحسین کازرونی: ده تومان، حاجی محمدحسن جزل: پنج تومان، جناب مصلح السلطنه: پنج تومان، حاج محمدحسین ارباب: ده تومان، حاجی زین العابدین سمسار: ده تومان^{۵۰}.

حاج آقا نورالله نجفی نیز در حمایت از این اقدام و تأسیس این بیمارستان، اعلامیه‌ای خطاب به صدرالمحدثین نگاشت که متن آن چنین است:

«عرض می‌شود بحمد الله و المنه میامن خاص و توجهات شامه بلا اختصاص حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که اسلامیان را پناه و مناص است. از عموم اهالی مملکت از عوام و خواص بر اثر یک جهتی و اتحاد و خواهش بر غرضی هویدا و بینا گشته. آثار ترقی و تربیت از وجنات و حالشان پیدا و انوار تمدن از ناحیه مدیبتشان ظاهر و هویدا است. چنانچه هر یک در تأسیسی مجاری خیریه و احداث مبانی برید و تربیت امور و استراحت جمهور به اقدامات موفور از روی کمال اخلاص. استعدادات خود را پیش قدمی و همراهی به منصفه ظهور و بروز می‌رسانند و در خلاص هموطنان ملت از قید مذلت و استخلاص اقارب از کید و شید اجانب پای ثبات و مردانگی می‌فشارند. و در خدمت به ابنای جنس خویش که در حقیقت از یک جوهرند نوع همتمی مردانه و غیرتی جداگانه دارند؛ از آن جمله نواب والا محمدحسن میرزا که از روی پاکسی نیت و درستی عقیدت و فرط درایت، به فقرا و ترفیه ضعفا و ترضیه عربا، تشفیه مرضا به تربیتی شایسته و اسبابی بایسته، مریضخانه‌ای موسوم به «اسلامیه» اساس نهاده و می‌دهند و جراحات دلشان را مرحم بر شما واجب و لازم

است که محض تشویق و ترویج و توسعه دین دایره ذی شأن به زبانی شیوا و بیانی زیبا در محافل، مجالس و مساجد ذکر نمایید و چنان که داند و می تواند مردم را به توسعه این دایره پر فایده توصیه فرماید. و اطباء هم در تکمیل این مرحله بکوشند و چشم از فواید و محاسن این کار بزرگ بپوشند؛ شاید بعون الله مردم دیگر از شربت مرگ اجانب نخورند و بیماران داخله ما از سموم ماران جان سالم به در برند. علاج رفع احتیاج از بیگانان است. این در راه رضای حضرت کبریا در تشفیه قلوب مرضی همین». اقل خدام شریعت، حاجی شیخ نورالله بن محمدباقر نجفی^{۵۱}

جمله (۲)

جمله (۱)

گر دو کلاه زده غرضش از دهنش و چای پرست است چون سینه
 خاندان کسان مستحق است که در کینه غارت ایشان در علم مردم
 و طبابت بر جرات است که در عبادت اول الهی استوارند
 و این حسنیب یکایک و در کفر نماند در ملت دین پرستی و بی
 دوستی بی پریشانی و نظیر است چنانچه مردم در آن سینه این
 اساس حضرتان دینی را به سستی نگاه دارند و گواهی است که
 آنکسان در نظر و بنیان خلقت آن جوانان حاضرند
 خاندان که در زبان دارد و چند وقت احوال ندی بر خاندان
 سرایان و حبیبان دارد در این نوع حرکت سینه دارد و نگاه
 کند می سینه را زانوی است از خداوند است سینه است چنانچه
 در کتاب اسمانی در فضیلت این عمل فرموده که سینه و جان
 اقدار نامیم و از یاد و بر آن اقدار نماند پس فال اند فال
 من جان با کفالتا احب الناس حبیبا یعنی کسی که کفالت نفس را
 حیزه نمیشود و از کفالت برکن نجات دهد خاست که نالی را
 حیزه نمیشود یا سینه این سینه را در حضرت صدیق این است
 نه اند بود و حال آنکه حاجی از مرضی حسنه را، و هر دو که در سینه
 از بی عدالتی و بی عدالتی نکار که چنانچه این سینه را که در کفالت
 بر سره حال ایشان کاسب بود و خوب نوع پرستیان سینه
 این کفالت چون مرغ سینه بریده و مظهر است آنرا در عقل
 بین کرده و خرج دارد و عدالتی آنرا عقل فرود با کمال از
 آنها در برائی سینه باید و از نرسش آنرا نجات میدهد و کفالت
 حیزه آنها را جدا جدا کفالت کفالت میگردانند و بر این مکتوب
 کفالت چنانچه سبب حیزه جلالی آنهاست جهت حیزه در کفالت
 آنها هم میگردانند اگر آن مرضیانی را داشتند کرده بود

هر لفظی که از اسلام
 در بعضی اندک است سینه حیزه در حق خود از دستخیز
 بی با هر چه در حق خود دارد و در بی چون در زمان آنرا از سینه
 شده بود و در سینه آن بوی بر اسلام خود از دستخیز
 در شرح و تفصیل سخن کرده بود که در عقل از نرسش از روز
 عدالت بود که از جهت سینه و در سینه شده اند که
 در سینه دایمی و نظیر اداعت و اجابت است و در سینه هم
 بر هر چه نالی می بود که در حیزه فرود می کرد نالی و در
 که نالی هم با سینه سینه ترسیم و ترسیم کفالت این نالی سینه
 را از نالی آن سینه فرود و در سینه حیزه است خوب بر این
 اند که این نالی سینه و در نالی سینه سینه است که
 اگر بر این در حق خود و در نالی سینه است که نالی خواهند

نظام از دست سینه
 در روز سینه این در
 و از خط سینه
 این سینه سینه
 سینه هم در سینه
 این سینه در سینه
 و در سینه سینه
 را از سینه سینه
 سینه سینه سینه
 و در سینه

<p>و در بعضی کجا که فاروق دوم شب و روز از رحمت آن سید و یکسال در برین خانه پرستش تا آن سال بودم سودی بخندم و اکنون تربت بنام روز است که در اینجا آمده ام و از حسن صاحب زوایب و او به سودی حاضر شده و آنچه سید را ز راه بروم خداوند این و چرا مراد ملک زاده فرماید ای سبای کسانی که امان سبایا ز بر صفا نمیدیند با سواران آنها از این تو را</p>	<p>حاجی محمد حسن کازرونی دو تومان پنج تومان</p> <p>حاجی محمد حسن کازرونی دو تومان پنج تومان</p> <p>حاجی محمد حسن کازرونی دو تومان پنج تومان</p> <p>حاجی محمد حسن کازرونی دو تومان پنج تومان</p>
<p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p>	<p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p> <p>حاجی میرزا ابوالقاسم زکحانی پانزده تومان</p>
<p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p>	<p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p> <p>حاجی میرزا حسین کازرونی سی تومان</p>
<p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p>	<p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p>
<p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p>	<p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p> <p>حاجی آقا مرتضی حاجی میرزا سید محمد آقا میرزا علی محمد پنج تومان دو تومان دو تومان</p>

تصویر روزنامه جهاد اکبر و تشریح مراحل شکل گیری بیمارستان اسلامی

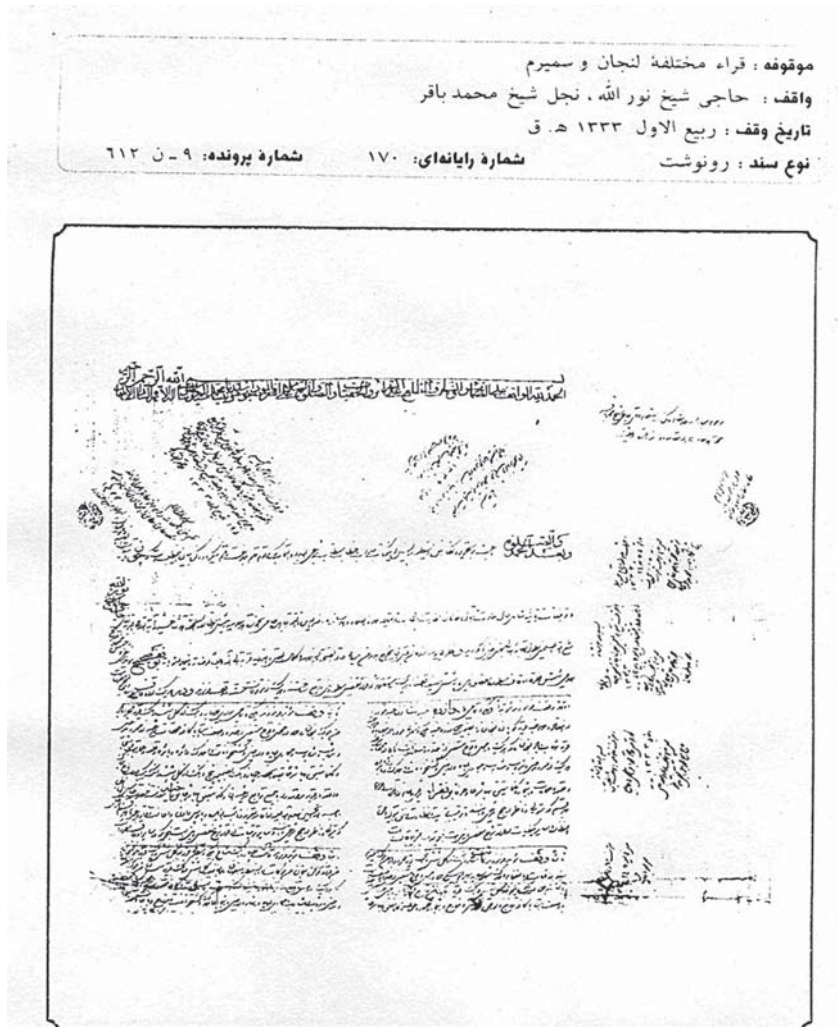
بیمارستان خورشید (نور): از دیگر بیمارستان‌هایی که توسط علما و خیرین مسلمان در دوران قاجاریه در راستای مبارزه با تبلیغات بیمارستان مسیحیان در اصفهان ساخته شد، بیمارستان خورشید بود^{۵۲}. متأسفانه عدم اطلاعات مکتوب باعث شده که محققینی که در مورد زندگی و اقدامات حاج آقا نورالله نجفی تألیف

وقف هیئات جواهریان • شماره ۴ • تابستان ۱۳۹۵

کرده‌اند یا به این بیمارستان اشاره‌ای نکرده و یا چون دکتر موسی نجفی آن را همان بیمارستان اسلامی به شمار آورده‌اند^{۵۳}. ولی از آن جایی که بیمارستان اسلامی در محله نوبهار ساخته شده بوده، قطعاً با بیمارستان خورشید که در پشت میدان نقش جهان ساخته شده متفاوت است. از طرفی حاج آقا نورالله نجفی در اعلامیه‌ای که به مناسبت تأسیس بیمارستان اسلامی صادر کردند، هیچ گونه اشاره‌ای به مشارکت خود در ساخت آن نکرده است و منابع تاریخی نیز چنین چیزی را تأیید نمی‌کند. در مورد چگونگی تأسیس بیمارستان خورشید گفته شده است که عده‌ای از مردم و پزشکان خدمت آیه‌الله حاج آقا نورالله نجفی رسیدند و از نبود بیمارستان اسلامی مجهز برای مداوای مردم شکایت کردند. وی نیز این خواسته مردم را اجابت کرد و قطعه زمینی را که ظاهراً باغ آلبالو بوده و وصل به کوچه «پشت مطبخ» بود، خریداری و با کمک چند نفر از خیرین اصفهان با ساختن چند اتاق بنای اول شفاخانه خورشید (بیمارستان کحالی و مقاربتی و کحالی و زهروی) را پایه‌گذاری کردند^{۵۴}.

شاید وجه تسمیه این بیمارستان به خورشید از آن جهت باشد که در زمان پایتختی اصفهان یعنی دوران حکومت صفویه در حوالی «باغ آلبالو» که بعدها بیمارستان خورشید شد، باغ یا عمارتی به این نام وجود داشته است و به مناسبت نام بانی او (حاج آقا نورالله) بیمارستان نور نیز نامیده شده است. در هر صورت بیمارستان خورشید ساخته شد و در اختیار بهداری وقت بود و خواه ناخواه رییس بهداری وقت اداره امور بیمارستان را نیز به عهده داشت. پس از چندی اداره این بیمارستان که جزو موقوفه مرحوم حاج آقا نورالله بود و از محل درآمد موقوفات آن اداره می‌گشت به بلدیة (شهرداری) اصفهان منتقل گشت و در سال ۱۳۱۰ هـ. ش و در زمان ریاست میرزا حسین خان جلایی ثبت آن به نام بلدیة اصفهان انجام شد و از تاریخ ۱۳۱۰/۹/۲۶ تا تیرماه ۱۳۱۰ آقای دکتر عیسی قلی به موجب ابلاغی که از طرف حاکم اصفهان (استاندار) فتح‌الله جلایی صادر گردید به سمت مدیر

بیمارستان خورشید تعیین شد. از دیگر پزشکانی که ریاست این بیمارستان را در بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۵ ه.ش برعهده داشتند می‌توان به دکتر میرعلایی، دکتر عماد حکمت، دکتر آذرنوش، دکتر حسین قلی اوژند، دکتر مسیح و دکتر مرتضی حکمی اشاره کرد^{۵۵}.



تصویر صفحه اول موقوفه حاج آقا نورالله نجفی که قسمتی از مایملک خود در روستاهای لنجان و سمیرم را وقف اموری از جمله خدمات درمانی و بیمارستانی کرده است.

موقوفه بیمارستان خورشید: آقای ابوتراب نفیسی در مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخچه بیمارستان خورشید» اشاره دارند که این بیمارستان از محل درآمد موقوفات قریه خولنجان از توابع لنجان از املاک موقوفه حاج آقا نورالله نجفی اداره می‌شده است^{۵۶}. در کتاب اسناد موقوفات اصفهان (جلد ششم)، موقوفه‌ای از حاج آقا نورالله بیان شده که صحت این مدعا را تأیید می‌کند، «... وقف مؤبد فرمودند تمامت چهار دانگ مشاعی ملکی و متصرفی خود از کل شش دانگ قریه خولنجان من قراء کرکن لنجان من بلوکات دارالسلطنه اصفهان را به ضمیمه کل شش دانگ قریه سمسان من بلوک مسطوره را که هر یک در محل وقوع لغایة الشهرة غنیه از ذکر حد و وصف است با کافه ملحقات شرعیه هر یک از مزار و مداخل و شروب و مشارب و مجاری المیاه و انهار و اراضی و اشجار و املاک و کشتخوانات و مزارع و باغات و قلعه و عمارات و مضافات و کلمت يتعلق بهما شرعا بر اعلاء کلمه اسلام و تقویت دین مبین و تضعیف کفار از قبیل بعث دعوات اسلامیة اگر ممکن شود و بناء مستشفیات و دارالمرضی یا بناء و تعمیر مساجد و مدارس و طرق مسلمین و امثالها که اسباب اعلاء کلمه اسلام و تأیید و تقویت مسلمین و دین مبین بوده باشد به هر قسم و به هر شکل که متولی و ناظر، ارجح شرعی داند^{۵۷}».

بیمارستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) (رحیم زاده): این بیمارستان نیز یکی دیگر از بیمارستان‌های وقفی اصفهان است که توسط مرحوم سید عبدالرسول رحیم‌زاده جهت مداوای بیماران در سال ۱۳۲۵ ه.ش احداث گردید. سید عبدالرسول رحیم‌زاده معروف به روغنی از تجار بزرگ اصفهان در زمان رضاخان به‌شمار می‌آید. و به دلیل این که مدتی از زندگی خویش را در شوروی سابق گذرانده به رحیم‌آف نیز شهرت دارد^{۵۸}. ایشان پس از این که به اصفهان بازگشت علاوه بر کارهای تجاری، خدمات عام‌المنفعه‌ای نیز انجام داد که از آن جمله ساخت بیمارستان رحیم‌زاده می‌باشد^{۵۹}.

حسن خلق، خشوع و ارادت وی باعث شده است که همچنان یاد و خاطره‌اش در اذهان مردم باقی بماند، او با آن‌که از متمولین شهر محسوب می‌شد ولی شخصاً به کارهای خیر رسیدگی می‌کرد تا جایی که پیش از آمدن فصل زمستان با حضور در مسجد رحیم زاده که از دیگر موقوفه‌های خودش بود، به دست خود به نیازمندان خاکه ذغال می‌داد. ایشان نه تنها در اصفهان بلکه در دیگر مناطق ایران از جمله مشهد مقدس موقوفه دارد^{۶۰}. و علاوه بر این، در چاپ و تکثیر کتب دینی نیز اهتمام ویژه‌ای داشت که از آن جمله می‌توان به چاپ و توزیع کتاب زادالمعاد علامه مجلسی رحمته الله اشاره کرد^{۶۱}.

مرحوم رحیم زاده با احداث بیمارستان رحیم زاده و قرار دادن قسمتی از درآمد کارخانه خود برای این بیمارستان و خرید دستگاه‌های پیشرفته و استخدام پزشکان آلمانی درصدد رفع حوائج مردم برآمد، به‌خصوص وی در زمینه بیماری کچلی که در آن زمان شایع شده بود پزشکی از خارج از ایران استخدام کرد که مردم را رایگان مداوا کنند.

پس از فوت مرحوم سید عبدالرسول رحیم زاده، این بیمارستان از رونق افتاد و به دلیل این‌که نزدیک به مادی بود، در اثر رطوبت ناشی از آن در حال تخریب بود تا این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی این مکان با همت دکتر برومند و جمعی دیگر از پزشکان اصفهان بهسازی شد و به مکانی جهت نگهداری بیماران روانی زن زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تبدیل شد. با توجه به این‌که این بیمارستان موقوفه مرحوم رحیم زاده بود سازمان بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی به ریاست سردار صبوری، با اجازه آیه‌الله فقیه ایمانی و دانشگاه علوم پزشکی، با خرید زمین‌های اطراف و توسعه حریم این بیمارستان، آن را به یک مرکز درمانی پیشرفته جهت مداوای جانبازان انقلاب اسلامی تبدیل کرد و در سال ۱۳۶۸ ه.ش با نام بیمارستان امیرالمؤمنین علیه السلام آن را مورد بهره‌برداری قرار داد.

بیمارستان سید الشهداء علیه السلام

تاریخچه بیمارستان سید الشهداء علیه السلام: پیش از تأسیس این بیمارستان، بیماران صعب‌العلاج سرطانی در یک مرکز درمانی که به همین منظور در بیمارستان فیض پیش‌بینی شده بود بستری می‌شدند. با افزایش تعداد بیماران، مرحوم حاج عبدالعلی فیض تصمیم گرفتند مکانی را جهت پذیرش و درمان این‌گونه بیماران اختصاص دهند. بدین ترتیب موسسه درمان و حمایت از بیماران سرطانی استان اصفهان با حمایت‌های مالی بی‌دریغ مرحوم حاج عبدالعلی فیض و جمع دیگری از خیرین اصفهان تأسیس گردید و در تاریخ ۱۳۴۴/۹/۴ ه.ش با شماره ۴۱ به ثبت رسید. وظیفه اصلی موسسه جلب کمک‌های مادی و معنوی افراد نیکوکار، درمان و معالجه بیماران سرطانی مستمند و نیز فراهم نمودن وسایل مسافرت آنان به تهران برای ادامه درمان بود.

با همت و پیگیری دکتر مرتضی حکمی، اولین مرکز پذیرش بیماران سرطانی به نام «آسایشگاه امید» در ملک شادروان مرحوم حاج محمد اسماعیل صراف واقع در خیابان خیام، کوی مادی فرشادی پایه‌گذاری شد. در تاریخ ۴۷/۱۲/۱۶ ه.ش مصادف با عید سعید غدیر، کلنگ ساختمان آسایشگاه فوق به زمین زده شد و با همت و مساعدت نیکوکاران شهر و تلاش و پیگیری مستمر بانیان خیر، از جمله دکتر مرتضی حکمی و عبدالعلی فیض کار ساختمان در تاریخ ۵۰/۱/۱۶ ه.ش به پایان رسید و در همین روز افتتاح شد. همزمان با افتتاح آسایشگاه، بنای درمانگاه تشخیص و پیگیری سرطانی آغاز شد. بنای این ساختمان یک سال طول کشید و سپس تجهیز آن با دستگاه‌های مورد نیاز از قبیل رادیولوژی و... ادامه یافت و در تاریخ ۱۳۵۳/۳/۳۰ ه.ش مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

دستگاه‌های رادیولوژی، ماموگرافی و سونوگرافی، توسط آقایان حاج سید حسن نوایی، حاج اکبر طلا مینایی و مرحوم حاج حسین همدانیان تهیه و به بخش رادیولوژی اهدا گردید. کثرت بیماران مبتلا به سرطان، تعداد مراجعین به مرکز،

کمبود تخت برای بیماران و اتلاف وقت و سرگردانی بیماران، موجب شد تا یک طبقه دیگر به روی ساختمان مرکز درمانی امید بنا گردد ۶۲.



موقوفات بیمارستان سید الشهداء (ع):

۱. مرحوم دکتر حسین وحدانیان فرزند مرحوم جعفر، تمامی دو دانگ مشاع از شش دانگ سه قطعه ملک معروف به اراضی آقا حسین پلاک ۶۲ اصل واقع در بخش ۱۴ درجه ثبت اصفهان را طبق سند مالکیت ثبت شده در دفتر املاک بخش

مزبور به موسسه حمایت و درمان بیماران سرطانی اصفهان صلح نموده، مساحت زمین فوق بیش از یکصد هزار مترمربع می باشد^{۶۳}.

۲. سید هاشم خورد آزاد نیز که یکی از خیرین شهر بوده، در زمان پهلوی هزینه‌ای را جهت ساخت اتاق عمل در این بیمارستان وقف نموده است^{۶۴}.

۳. در خیابان شیخ مفید، روبروی مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد، کنار گالری موزه فدک، ساختمانی چهار طبقه در حال ساخت می باشد که بر روی کتیبه کاشی کاری آن نوشته شده: کلینیک تخصصی حضرت زهرا ع وقف بیمارستان سیدالشهدا ع از سوی آقای رضا طاهری ۱۳۸۷.

بیمارستان حجتیه: بیمارستان حجتیه نیز از دیگر بیمارستان‌هایی است که شروع آن در انجمن اسلامی پزشکان اصفهان رقم خورد^{۶۵} که به نام مبارک امام زمان ع نامگذاری و در سال ۱۳۵۰ هـ. ش تأسیس شد. این بیمارستان دارای ۱۸۰۰۰ مترمربع عرصه و ۱۰۰۰۰ مترمربع زیربنا است و بخش‌های مختلفی از قبیل بخش جراحی، اورژانس، دندانپزشکی، داخلی زنان و زایمان، داروخانه، آزمایشگاه، رادیولوژی، سونوگرافی، اتاق عمل و دیالیز، واحد پشتیبانی، خدمات نگهداری، تأسیسات، دیالیز در آن فعال می باشند و روزانه به طور متوسط به بیش از ۲۰۰۰ نفر ارائه خدمت می نماید^{۶۶}.

موقوفه بیمارستان حجتیه: در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۶۴ هـ. ش آقای عطاءالله ضمیران ابن عباس به موجب وقفنامه‌ای که به شماره یارانه‌ای ۴۲۴ در اداره اوقاف موجود است مبلغ ده میلیون ریال (یک میلیون تومان) برای خرید دارو جهت بیماران مستمند و بی بضاعت مراجعه کننده به بیمارستان حجتیه اصفهان اختصاص داده است^{۶۷}.

بیمارستان شهید صدوقی: پس از این که بیمارستان جرجانی در اصفهان به همت آقای دکتر عالم و چند نفر دیگر از پزشکان اصفهان تأسیس شد، بنا به پیشنهاد آقای زاهدی (ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه استان اصفهان قبل از انقلاب) قطعه‌ای از زمین وقفی هارونی که تحت تولیت حجة الاسلام سید هاشم واعظ شهرستانی^{۶۸}

بوده طی اجاره نامه‌ای که در صفحه ۱۵۵/۱۵۴ دفتر زوج ۱۰۸ سردفتر تحت شماره ۷۳۱۰۸ ثبت شده است جهت احداث بیمارستان به آقای دکتر عالم اجاره داده شده است. دکتر محمد عالم و چند نفر از پزشکان وقت اصفهان با فروش سهام اقدام به ساخت این بیمارستان می‌کنند که با توجه به مجهز ساختن بیمارستان تا شروع انقلاب اسلامی به طول می‌انجامد.^{۶۹}

این بیمارستان همزمان با آغاز انقلاب اسلامی آماده بهره‌برداری شد. در آن موقع با توجه به تحرکات ضد انقلاب در منطقه کردستان و تلفات انسانی سپاه اصفهان که در آن منطقه جهت مبارزه با منافقین حضور داشت، نیاز به یک مرکز درمانی ویژه جهت مداوای مجروحان احساس می‌شد. و با توجه به نیاز فوری آن سازمان، بیمارستان شهید صدوقی که آماده بهره‌برداری بود به مبلغ سی و یک میلیون و پانصد هزار تومان از بیست و شش نفر سهامدار آنجا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خریداری شد و پس از تجهیز جهت مداوای مجروحین مورد استفاده قرار گرفت. در دوران جنگ تحمیلی نیز این بیمارستان مکانی برای مداوای جانبازان جنگ به‌شمار می‌آمد.^{۷۰}

پس از دوران جنگ تحمیلی نیز این بیمارستان با توسعه و تجهیز خود همچنان به‌عنوان یکی از بیمارستان‌های سطح یک در شهر اصفهان زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند.

بیمارستان امام حسین علیه‌السلام: در تاریخ ۶۶/۸/۲۸ ه.ش توسط مرحوم مصطفی سخاوت زمینی به مساحت ۸۱۰۰ مترمربع در اتوبان امام خمینی جهت احداث بیمارستان توسط حضرت آیه‌الله حاج آقا کمال فقیه ایمانی واگذار گردید. این مرکز در سال ۱۳۶۸ ه.ش توسط ایشان به دانشگاه علوم پزشکی اهدا شد و ساخت آن با کمک‌های مردمی تا سال ۱۳۹۰ ه.ش ادامه یافت. در آغاز این سال (۱۳۹۰)، دانشگاه علوم پزشکی مأموریت جدید این مرکز را، مرکز آموزشی درمانی کودکان حضرت امام حسین علیه‌السلام اعلام نموده و تجهیز و راه‌اندازی با این رسالت ادامه یافت.^{۷۱} این

بیمارستان با زیربنایی معادل ۱۳۰۰۰ مترمربع در ۴ طبقه، دارای ۱۶۰ تخت و با هزینه‌ای بالغ بر ۱۷۰ میلیارد ریال احداث و تجهیز گردید و در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۹ هـ. ش با حضور وزیر وقت بهداشت و درمان سرکار خانم دکتر وحیدی دستجردی رسماً افتتاح و به بهره‌برداری رسید و هم اکنون به‌عنوان یکی از بیمارستان‌های تخصصی کودکان با پزشکان متخصص و کادر پزشکی کارآمد فعالیت می‌کند.

بیمارستان موقوفه‌ای که هنوز ساخته نشده است: مرحوم خانم احترام خلیل اکبر همسر مرحوم سمسار زاده در سال ۱۳۵۷ هـ. ش طی وقفنامه‌ای تمامیت شش دانگ خانه خود واقع در چهارباغ صدر خواجه‌ورا وقف ساختن بیمارستان یا درمانگاه کردند و در وقفنامه، همسر خود مرحوم سمسار زاده را مسئول پیگیری این امر قرار داده‌اند. لازم به ذکر است در متن این وقفنامه ایشان اشاره کرده‌اند که یک حساب بانکی را جهت هزینه ساخت و تجهیز این بیمارستان قرار داده‌اند. این وقفنامه به شماره رایانه‌ای ۶۹۹ در سازمان اوقاف به ثبت رسیده است^{۷۲}. متأسفانه به دلیل این که این مکان الآن در میان مناطق مسکونی قرار دارد اهالی محل، اجازه ساخت آن را به بازماندگان واقف نداده‌اند.

علاوه بر بیمارستان‌هایی که اشاره شد، در اصفهان بیمارستان‌های دیگری نیز وجود دارد که با همت خیرین ساخته شده است. همچون بیمارستان تخصصی قلب شهید چمران، بیمارستان زهرای مرضیه علیها السلام، بیمارستان امین، بیمارستان فیض، بیمارستان عسگریه و... که نگارندگان در اسناد و مدارک و همچنین مصاحبه‌ها اموالی تحت عنوان «وقف» برای این مراکز به دست نیاوردند و به همین دلیل در این مقاله از این بیمارستان‌ها سخنی بیان نشده است.

نتیجه‌گیری

سفارشات زیادی که دین مبین اسلام در کمک به هم‌نوع و همچنین انفاق در راه خدا داشته، باعث شد که مسلمانان به تبعیت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

هدی علیه السلام در جهت رفع نیازمندی‌های امت اسلامی برآیند. در این زمینه فرهنگ وقف جزء سنت‌های حسنه‌ای است که از همان زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رواج پیدا کرد و مسلمانان نیز با تأسی از آنها، اموالی را در جهت گره‌گشایی از جامعه مسلمین به طرق مختلف وقف کردند. پس از گسترش اسلام به ایران و آشنایی مسلمانان با دانشگاه پزشکی جندی شاپور و پیشرفت علم پزشکی و به تبع آن ساخت‌وساز بیمارستان، این فرهنگ در این زمینه هم به کار گرفته شد و توانست نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری ایفا کند.

در ایران نیز مانند دیگر سرزمین‌های اسلامی، بیمارستان‌های موقوفه زیادی در قرون مختلف تاریخ ایران اسلامی ساخته شده که در این نوشتار به بعضی از آنها اشاره شد.

با توجه به پیشرفت علم پزشکی و از طرفی نیاز روزافزون جامعه به آن در دوران قاجار به بعد، روند تشکیل بیمارستان کم‌کم شدت گرفت که شهر اصفهان نیز از این امر مستثنی نبود و چنانچه اشاره شد بیمارستان موقوفه خورشید در آن زمان تأسیس شده که همچنان نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

از همان موقع تاکنون بیمارستان‌های زیادی در اصفهان ساخته شده که مؤسس آنها خیرین و واقفین بوده‌اند و روحانیون آگاه و معتمد نیز نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری این مراکز داشته‌اند، به گونه‌ای که در دوران قاجار آیه‌الله حاج آقا نورالله نجفی خود بیمارستان خورشید را پایه‌گذاری کرد؛ در دوره پهلوی نیز شاهد حضور مؤثر روحانیون مانند آیه‌الله زند کرمانی مؤسس بیمارستان عسگریه هستیم و در دوران جمهوری اسلامی نیز علمای بزرگ شهر از پیشگامان این امر به‌شمار می‌روند که از آن بین می‌توان به مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن امامی، آیه‌الله مستجابی، آیه‌الله ناصری و به‌ویژه آیه‌الله حاج آقا کمال فقیه ایمانی مؤسس چندین بیمارستان و درمانگاه اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام.
۲. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.
۳. وقف و درمان، ص ۱۰.
۴. تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۶.
۵. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، صص ۵۹-۶۱.
۶. همان.
۷. تاریخ طب اسلامی، ص ۱۴۱.
۸. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ص ۹۰، به نقل از ابن دقماق.
۹. همان، ص ۹۱.
۱۰. همان به نقل از مقریزی.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. برای اطلاع از وقفنامه‌های موجود در رابطه با این بیمارستان ر.ک: کتاب تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام نوشته دکتر احمد عیسی بیک، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱، صص ۹۶-۹۷.
۱۴. تاریخ بیمارستان‌های ایران، ص ۳۷؛ تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، ص ۷۷۵.
۱۵. عیون‌الانباء فی طبقات‌الاطباء، ص ۳۷۲؛ تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۱۸۶.
۱۶. همان، ص ۱۹۰.
۱۷. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ص ۱۱۸.
۱۸. تاریخ بیمارستان‌های ایران ص ۳۵؛ تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، ص ۷۷۵.
۱۹. اسم یکی از محلات بغداد بوده است.
۲۰. تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، ص ۷۷۱.
۲۱. تاریخ بیمارستان‌های ایران، ص ۵۴.
۲۲. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۰۰.
۲۳. همان، ص ۲۰۱؛ شیراز نامه، ص ۵۱.
۲۴. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۱۱۰.
۲۵. احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم، ص ۲۴۲.
۲۶. شیراز نامه، ص ۸۵.
۲۷. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۳۵۴؛ سوانح‌الافکار رشیدی، صص ۲۳۱-۲۳۴.
۲۸. تاریخ بیمارستان‌های ایران، ص ۱۲۶.
۲۹. تاریخ یزد، ص ۹۱.
۳۰. مرجع و منبع اصلی اطلاعات ما در مورد ربع رشیدی، وقفنامه‌ای است که با خط خود رشیدالدین فضل‌الله نوشته شده است. این وقفنامه که در سال ۷۰۹ هـ.ق تنظیم شده، یکی از قدیمی‌ترین وقفنامه‌های دستنویس به زبان فارسی است که از وقفنامه‌های مفصل و قطور محسوب می‌شود. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: فضل‌الله همدانی (۲۵۳۶) وقفنامه ربع رشیدی، به کوشش: مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: بی جا)
۳۱. تاریخ بیمارستان‌های ایران، ص ۱۴۲.
۳۲. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، صص ۲۵۳-۲۵۴.
۳۳. سوانح‌الافکار رشیدی، ص ۲۳۶.
۳۴. تاریخ بیمارستان‌های ایران، ص ۱۸۵.
۳۵. تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۱۶۸.

۳۶. تاریخ طب در ایران پس از اسلام(از ظهور اسلام تا دوران مغول)، ص ۷۶۸.
۳۷. درآمدی بر پیشینه پزشکی اصفهان، ص ۱۱۲.
۳۸. این مکان هم‌اکنون تغییر کاربری داده و به مسجد تبدیل شده است.
۳۹. عالم آرای عباسی، ص ۱۱۰.
۴۰. برای نمونه ر.ک: سفرنامه تاورنیه، ص ۶۳۲.
۴۱. مصاحبه با آقای دکتر سعیدالدین سجادی از پزشکان قدیم اصفهان، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۴۲. این روستا در منطقه دلجان اصفهان می‌باشد.
۴۳. اسناد موقوفات اصفهان، ج ۱، ص ۳۰۰.
۴۴. روزنامه جهاد اکبر، سال ۱۳۲۵ ه.ق، شماره ۲، صص ۴-۶.
۴۵. وی فرزند آیه‌الله سید جعفر خادم الشریعه و برادر آیه‌الله سید حسین خادمی می‌باشد که پس از عمری خدمت در اصفهان جهت ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و در همان جا وفات یافت و در وادی السلام مدفون گشت.
۴۶. وی از شاگردان آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و حاج میرزا بدیع درب امامی به‌شمار می‌رود که در جریان مشروطه در اصفهان دوشادوش حاج آقا نورالله نجفی فعالیت داشت و سرانجام در سال ۱۳۶۶ ه.ق. درگذشت و در تکیه زنجانی تخت فولاد به خاک سپرده شد(تخت فولاد اصفهان، صص ۴۸-۵۰).
۴۷. وی یکی از تجار خیر اصفهان است که آثار خیر فراوانی از جمله تکیه و آب انبار
- کازرونی واقع در تخت فولاد اصفهان از وی به جا مانده است(برای اطلاع بیشتر ر.ک: روضه رضوان، محمدحسین ریاحی، چاپ کانون پژوهش، ۱۳۸۵).
۴۸. وی از روزنامه نگاران مشروطه اصفهان به‌شمار می‌آید که با چاپ روزنامه فرهنگ به جنبش مشروطه کمک می‌کرد. از طرفی وی از طبیبان حاذق نیز به‌شمار می‌آمده است. مرحوم سرتیپ سرانجام پس از عمری مجاهدت در سال ۱۳۰۳ ه.ق. دار فانی را وداع گفت و پیکرش در تکیه میرفندرسکی تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد(تخت فولاد اصفهان، ص ۴۲).
۴۹. مرحوم ملک‌التجار، از تجار معروف و نیکوکار اصفهان است. انگورستان ملک که یکی از بناهای زیبای دوره قاجار در اصفهان می‌باشد توسط خود وی احداث و وقف روضه‌خوانی ابا عبدالله الحسین ع می‌باشد. مدفن وی نیز در همان مکان است.
۵۰. روزنامه انجمن قدس ملی اصفهان، سال اول، شماره ۱۰، جمادی الثانی سال ۱۳۲۵ ه.ق.
۵۱. روزنامه جهاد اکبر، ربیع الثانی سال ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۸.
۵۲. مصاحبه با آقای دکتر اسفندیاری عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱؛ حدیث مهربانی، ص ۱۰۰.
۵۳. اندیشه‌های سیاسی و تاریخی نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۲۶، پاورقی.
۵۴. مجله وحید، شماره ۱۸۲، ص ۵۵۰.

۵۵. همان، ص ۵۵۳.
۵۶. همان، ص ۵۵۴.
۵۷. اسناد موقوفات اصفهان، ج ۶، ص ۱۱۳.
۵۸. مصاحبه با آیه الله حاج آقا کمال فقیه ایمانی، مدرس حوزه علمیه اصفهان، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۵۹. دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج ۲، ذیل مدخل رحیم زاده.
۶۰. همان.
۶۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۲.
۶۲. مصاحبه با آقای محمدعلی خامی رییس بیمارستان سیدالشهدا علیه السلام، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۶۳. همان.
۶۴. مصاحبه با آقای خورد آزاد فرزند مرحوم میرزا هاشم خورد آزاد، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۶۵. مصاحبه با آقای دکتر اسفندیاری عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی، توسط: سید مصطفی طباطبایی، سال ۱۳۹۱.
۶۶. مصاحبه با آقای دکتر سعیدالدین سجادی از پزشکان قدیم اصفهان، توسط: سید مصطفی طباطبایی، سال ۱۳۹۱.
۶۷. اسناد موقوفات اصفهان، ج ۶، ص ۴۱۷.
۶۸. خاندان شهرستانی، از خاندان های معروف علمی این خطه می باشند که مورد وثوق مردم آن جا هستند و کماکان در امور خیر و عام المنفعه پیشتاز می باشند.
۶۹. مصاحبه با دکتر محمد عالم مؤسس بیمارستان شهید صدوقی، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۷۰. مصاحبه با آقای دکتر سعیدالدین
- سجادی از پزشکان قدیم اصفهان و آقای مدنیان مسئول تدارکات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۷۱. مصاحبه با آیه الله حاج آقا کمال فقیه ایمانی، مدرس حوزه علمیه اصفهان، توسط: سید مصطفی طباطبایی، بهار سال ۱۳۹۱.
۷۲. اسناد موقوفات اصفهان، ج ۶، ص ۱۷۵.

منابع:

۱. عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ابن ابی عصیبه، ترجمه و شرح: سید جعفر غضبان و دکتر محمود نجم آبادی، تهران، سازمان چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۲. وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران، بازخوانی و تحقیق: نزهت احمدی (صراف)، تهران، انتشارات کومه، ۱۳۴۹.
۳. اسناد موقوفات اصفهان، سید صادق حسینی اشکوری، تهران، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۸.
۴. تاریخ بیمارستان‌های ایران، حسن تاج‌بخش، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۵. سفرنامه تاورنیه، ژان پاتیست تاورنیه، ترجمه: ابوتراب نوری، تصحیح: محمد شیرانی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۶۹.
۶. تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱ و ۲، اسکندر بیگ ترکمان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۷. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، آقا بزرگ تهرانی، قم، کتابخانه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۸. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه و نگارش: علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۹. تاریخ یزد، جعفر بن محمد جعفری، به اهتمام: ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۲۸.
۱۰. تاریخچه بیمارستان سید الشهداء (علیه السلام)، محمدعلی خامی، مخطوط، بی تا.
۱۱. روضه رضوان، محمدحسین ریاحی، اصفهان، چاپ کانون پژوهش، ۱۳۸۵.
۱۲. شیراز نامه، احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی، تهران، چاپ بهمن کریمی، ۱۳۱۰.
۱۳. دانشنامه تخت فولاد، ج ۲، سیدمصطفی طباطبایی، ذیل مدخل رحیم زاده، زیر نظر دکتر اصغر منتظرالقائم، اصفهان، شهرداری اصفهان، ۱۳۹۱.
۱۴. تخت فولاد اصفهان، سید احمد عقیلی، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۸۵.
۱۵. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، احمد عیسی بک، ترجمه: دکتر نورالله کسای، بی جا، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۱.
۱۶. سوانح الافکار رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، چاپ محمدتقی دانش پژوه، ۱۳۵۸.
۱۷. درآمدی بر پیشینه پزشکی اصفهان، مسعود کثیری، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۸.
۱۸. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، سیریل الگود، ترجمه: دکتر باهر فرقانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۹. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، یحیی محمود ساعاتی، ترجمه: احمد امیری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۲۰. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ترجمه: علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
۲۱. حدیث مهربانی (زندگی‌نامه و فعالیت‌های خیرین بهداشتی درمانی استان اصفهان)، غلامحسین میرزایی و مژگان اکبرزاده، اصفهان، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۱.
۲۲. اندیشه‌های سیاسی و تاریخی نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، بی‌جا، انتشارات کلینی، ۱۳۶۹.
۲۳. تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، محمود نجم آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۲۴. مقاله «تاریخچه بیمارستان خورشید»، نویسنده: ابوتراب نفیسی، مجله وحید، سال ۱۳۵۴ هـ. ش، شماره ۱۸۲.
۲۵. روزنامه انجمن قدس ملی اصفهان، سال اول، شماره ۱۰، جمادی الثانی سال ۱۳۲۵ هـ. ق.
۲۶. روزنامه جهاد اکبر، سال ۱۳۲۵ هـ. ق، شماره ۲.